



# پیام نامه شورای بازپس گیری ایران

شماره ۱۱ ۲۵ خرداد ۲۵۸۲ شاهنشاهی، ۱۴۰۲ خورشیدی، ۱۵ جون ۲۰۲۳ ترسای  
تلفنهای گروه نویسندگان و نگارش ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶ و ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳



## شورای بازپس گیری ایران زمین میجنگیم میمیریم ایران را پس میگیریم

آدرس ایمیل شورا [bazpasgiri1401@gmail.com](mailto:bazpasgiri1401@gmail.com)

آدرس وبسایت شورا

<https://www.nahadshahanshahi.com/BAZPASGIRI>

### پایانده ایران

به اطلاع خوانندگان گرامی میرسانیم :

با توجه به اهمیت تداوم قانون اساسی مشروطیت.

چون نوشتار آقای دکتر اسداله نصر اصفهانی (پیامدهای شورش ۵۷ و پیشنهاد راهکار نجات ایران) که بازگو کننده مستندی از وقایع تاریخی است، بیش از ۹ رویه دارد و یک شماره از پیام نامه را در بر میگیرد، از اینرو بر آن شدیم که این نوشتار را بصورت ویژه در پیامنامه شماره ۱۱ انتشار دهیم.

ضمن پوزش از هموندان گرامی که مقالات خود را ارسال داشته اند به آگاهی می‌رسد که مقالات ارسالی شما بزرگواران در شماره ۱۲ به چاپ خواهد رسید.

پایانده ایران جاوید شاه

شورای نویسندگان پیامنامه باز پس گیری ایران زهرا صفارپور- محمود احمدی

# پی‌آمدهای شورش ۵۷ و پیشنهاد راه‌کار نجات ایران

اسداله نصر اصفهانی

## پیش‌درآمد:

بزرگترین پی‌آمد انقلاب مشروطیت که سران افتخارآفرین این جنبش در دو قرن اخیر پس از روش‌نگری‌های پیگیر و بی‌وقفه خواستار آن بودند، محدود ساختن اختیارات سلطان بود که تمام نیروی اجرایی و قضایی و مقررات هر لحظه قابل تغییر، در یک فرد به نام سلطان خلاصه میشد.

با برقراری و اجرای قانون اساسی مشروطیت اختیارات سلطان که پادشاه نامیده شد در قانون اساسی کاملاً مشخص گردید. تاپیش از این پدیده تاریخی یگانه، جامعه ایرانی دو بخش عمده بیشتر نداشت: بخش نخست سلطان ظل‌الله (سایه خدا) که مالک سراسر کشور بود و اختیار جان و مال ناموس همه ساکنین را در دست داشت و با در اختیار داشتن خزانه مملکت بنام خزانه سلطان خود را روزی ده مردم ایران میدانست و بخش دوم بقیه ساکنین کشور بودند که سلطان آنها را رعیت خود می‌پنداشت. پس از مشروطیت این رابطه وارونه و شاه حقوق بگیر ملت شد.

بقول محمد علی شاه «از این پس سلطان برای زندگی روزمره باید از مشهدی حسن بقال (نماینده مجلس) کسب دستور کند که چه بپوشد، چه بنوشد و چه میزان حقوق دریافت کند» و این امر عامل اصلی قیام وی بر علیه ملت و به توپ بستن خانه ملت شد. بدون اینکه هدف تکرار و یادآوری تاریخ باشد که امروز کاربردی ندارد چکیده دستاوردهای مشروطیت از این قرارند:

۱- تبدیل رعیت به ملت و برقراری حکومت مردم سالار و مجلس نمایندگان برگزیده مردم به نام مجلس شورای ملی، دارای بالا ترین اختیار در کشور (اصل ۳۵ متمم) برای تعیین شکل نظام و عزل و نصب پادشاه و قبول یارد ولایت عهد پیشنهادی شاه.

۲- متساوی الحقوق شدن مردم در برابر قانون (که رضا شاه بزرگ در اجرای این اصل ۸ متمم توانست از زنان رفع حجاب کند).

۳- تبدیل سلطان (سایه خدا) با اختیار نامحدود به پادشاه با اختیار محدود تعیین شده در قانون اساسی و از سوی ملت

۴- تفکیک قوای سه گانه و تعیین حدود اختیارات و وظایف هریک از قوا شامل پادشاه

۵- برقراری آزادی بیان، آزادی کسب آموزش، آزادی انتخاب مسکن، آزادی تظاهرات و تشکیل اجتماعات، آزادی مالکیت، ممنوعیت افشای مراسلات پستی، ممنوعیت افشا یا توقیف مخابرات تلگرافی، ممنوعیت مصادره املاک و اموال مردم بعنوان مجازات.

۶- برقراری اصل برانیت و اجرای روش اتهامیه که بر این اساس اثبات جرم بعهده مدعی عمومی یا مدعی خصوصی واگذار شد.

۷-.....

۸-.....

قطار سریع السیر پیشرفت اقتصادی و اجتماعی ایران به رهبری پادشاه با برنامه ریزی دقیق غرب و همراهی خائنانه شرق در سال ۵۷ متوقف گردید به سه دلیل:

۱- **پیشرفت اقتصادی و اجتماعی و آموزشی غیر قابل کنترل** از سوی جهان غرب و آهسته آهسته در اختیار گرفتن بخش عمده بازار جهانی بویژه اروپای شرقی و روسیه و چین برای کالاهای مصرفی بی دوام ( محصولات غذایی خام یا پرورده ، میوه و سبزیجات و فرآورده های کارخانه های صدف و یک و یک )، کالاهای مصرفی با دوام (مانند جوراب و کفش و صندلی، لباس و پارچه، یخچال و تلویزیون و آبگرم کن و اتومبیل و اتوبوس تا آنجا که لباسهای دوخت ایران را از ایتالیا بامارک ایتالیایی به جهان صادر میکردند و کفش ملی ایران در روسیه کالای تجملی شده بود و کوپن آن بصورت قاچاق دادو ستد میشد) و پس از آن کالاهای سرمایه ای ( مانند ماشین تراش و تراکتور) را در اختیار گرفت که برای سیاست اقتصادی غرب غیر قابل تحمل شده بود.

۲- **عقاب اوپک شدن پادشاه** و افزایش قیمت نفت و فرآورده های پترو شیمی تا آنجا که کیسینجر ظاهراً دوست صمیمی پادشاه، و در واقع بزرگترین صیہونیست جهانی ، ماهیت واقعی خود را نشان میدهد و درنشست شورای امنیت ملی آمریکا برخلاف عرف سیاسی و دیپلماسی میگوید:

«اگر شاه بخواهد خط مشی کنونی خود را ادامه

دهد و سیاستی را که در چهارچوب سازمان کشورهای صادرکننده نفت «اوپک» اتخاذ کرده تغییر ندهد ممکن است این تصور برایش حاصل شود که نفوذش در منطقه دائماً افزایش خواهد یافت... تردیدی نیست که شاه اکنون سیاستی را اتخاذ کرده که بتواند فشار بیشتری بر ما وارد آورد، چه بسا ممکن است روزی فرارسد که ما دیگر سیاست شاه را به سود خود تشخیص ندهیم. شاه این سودا را در سر دارد که کشورش را به یک قدرت بزرگ تبدیل کند، نه به کمک ما بلکه با استفاده از وسایل دیگری، از جمله همکاری بیشتر با همسایگان روسی اش... در اینجا «آمریکا» برخی بر این عقیده اند که یا باید شاه دست از سیاست های خود بردارد و یا ما باید او را عوض کنیم»

پس از کشمکش های بسیار زیاد بین دولت شاهنشاهی ایران و کنسرسیوم وبا وجود نفوذ زیاد و فشار عوامل انگلیس در ایران پادشاه به هیچ روی زیر بار نرفت. تا آنکه کنسرسیوم قراردادی را به شرکت ملی نفت ایران به مدیریت روانشاد دکتر منوچهر اقبال پیشنهاد کرد. این پیشنهاد آنچنان غیرمنطقی و ظالمانه بود که دکتر اقبال گزارش آنرا به پادشاه شرم آور میدانست.

چون چند ماه از تسلیم این پیشنهاد گذشت و خبری از آن نشد ، ناگهان دکتر منوچهر اقبال با خوردن یک فنجان قهوه جان به جان آفرین تسلیم کرد.

آقای دکتر هوشنگ انصاری جایگزین دکتر اقبال شد و طرح کنسرسیوم به میدان آمد و وی طرح را به پادشاه تسلیم کرد. شاه فقید پس از پافشاری کنسرسیوم برای پذیرش قرارداد ننگین

در نشست‌های هیئت نمایندگی کنسرسیوم یعنی شرکت شل و بریتیش پترولیوم و استاندارد نیوجرسی اعلام کرد :

## از سلطنت صرفنظر می‌کنم اما با این پیمان ظالمانه موافقت نخواهم کرد.

رئیس هیئت نمایندگی کنسرسیوم ، مدیر عامل شرکت نفتی «شل»، در همان نشست روی در روی و چشم در چشم با تهدید اظهار داشت: کنسرسیوم مصمم است نسبت به احقاق حق خود به هر وسیله که لازم بداند متوسل شود اگرچه لازم باشد درآمد یک سال کنسرسیوم در آن راه خرج شود.

پس از آن است که می‌بینیم تظاهرات کوچک و پراکنده به اغتشاشات و تظاهرات گسترده و سازمان یافته تبدیل می‌شوند.

کنسرسیوم به تهدید خود عمل می‌کند. کتاب سقوط ۷۹ چاپ می‌شود و مجاهدین خلق کشور را به آشوب می‌کشند و از سوی استعمار سیاه بیش از ۴۰۰ انسان بی‌گناه در سینما رکس آبادان زنده زنده می‌سوزند. پاریس میشود ستادفرماندهی برای برکناری شاه و شرکت فرانسوی عضو کنسرسیوم منابع مالی لازم را در اختیار رئیس‌کارداستن قرار میدهد و زمانی که رسانه های همگانی فرانسه ویرا زیر سوال میبرند پاسخ میدهد که برای حفظ امنیت ملی فرانسه از پاسخ معذورم؟؟؟

۳- ایران که تا پیش از این کشور وام گیرنده بود بزرگترین وام دهنده جهانی بویژه به انگلستان شد.

با خرید سهام بزرگترین شرکتها از جمله شرکت کروپ زنگ خطر را برای دنیای غرب بصدا در آورد.

هرچند ایران خود صدای این زنگ را نشنید ولی سرمایه داری استعمار گر و استثمار چی غرب آنرا بخوبی شنید و تصمیم گرفت پیش از آنکه نتواند حریف این چابک سوار اقتصادی جسور شود با

زدن سر ایران (یعنی شاه) آنرا به خاک سیاه بنشانند که بادست گروه « همه باهم» خمینی وبا صرف میلیاردها دلار پیروز شد.

در راستای این تصمیم دیدیم که ماهرانه در روزهای تاسوعا و عاشورا ی ۵۷ جمعیت ۲۰۰ هزار نفری را بدست خردباختگان کینه توزی به نام دکترکریم سنجابی و مهدی بازرگان ودوسه رسوای سیاسی دگر به خیابان آوردند و رسانه های غرب آنرا به دو میلیون نفر به مردم ایران و جهان قالب کردند.

پس از شورش و آگاهی مردم از اعتراف خمینی که برای رسیدن به هدفش یعنی برقراری حکومت اسلامی، خدعه و تزویر و تقیه کرده، و پس از رسیدن به قدرت تمام گروههای «همه باهم» را یکی پس از دیگری به حاشیه راند و از گردونه سیاسی خارج کرد، راهپیمایان جبهه ملی، اکثریت چپ ایران ، روشنفکران و تمام آتش بیاران معرکه تازه فهمیدند که چه کلاه بزرگی به سرشان رفته و با چه ساده لوحی و فقط در اجرای دشمنی کور با شاه ابزار دست سیاست استعمار سیاه و سرخ برای به روزسیاه نشاندن ملت ایران شده اند. هریک بنوبه خود اظهار پشیمانی کردند. تا آنجا که سحابی به زبان آمد و اعتراف کرد که « تمام طرحهای شاه به نفع مملکت بود و ما متوجه نبودیم»

مسابقه ای بین پشیمانان برپا شد که ما آنچه میگفتیم همگی دروغ بود وعمداً آمار دروغ میدادیم. تابتوانند امروز پیش تازی مبارزه بر علیه جمهوری اسلامی را درعالم خیال مصادره کنند.

اعترافات شرم آور کیانوری فزون بر نشان دادن ماهیت خیانت کارانه و بیگانه پرستی حزب توده لکه سیاه و ننگی ابدی شد بردامن چپ ایران.

با همه این اعترافات وقتی از این مثلاً روشنفکران پرسش شد که انگیزه شما برای پیوستن به این

شورش چه بوده پاسخ میدهند که:

۱- خمینی انقلاب مارا دزدید

۲- در رژیم گذشته مردم در رفاه نسبی بودند و تنها کاستی رژیم نداشتن **آزادیهای سیاسی** بود

۳- یکی از این روشنفکران براحتی یادآور شد که درست است که رژیم گذشته به پیشرفتهای بزرگی دست یافته ولی من بخش خالی لیوان را میبینم که چه کارهایی انجام نشده. چون کارهای انجام نشده و درواقع آرزوها تعدادش لایتناهی است این استدلال سفسطه ای بیش نیست. وقتی از ایشان پرسش میشود نمونه ای ارائه دهد میگوید چرا در زمان شاه بیسوادی ریشه کن نشده.

### آزادیهای سیاسی

شورشیان ۵۷ آزادیهای سیاسی را آگاهانه فراموش میکنند ازجمله:

۱- وجودکانون نویسندگان که مرکزی بود برای نوشتارهای بلند یا کوتاه برای مخالفت آشکاربا حکومت وتجلیل ازشیعه خونریز  
۲- وجود انجمن گوته وشبهای شعرکه این انجمن در راستای پخش افکار و روزنامه های آشکار و پنهان چپ و کمونیستی تشکیل شده بود

۳- وجود کافه قنادی نادری که «پاتق» چپهای بازنشسته وشاغل بود وهرچه دل تنگ یا گشادشان میخواستند میگفتند و کسی را با آنها

کاری نبود

۴- وجود انجمن های اسلامی بامنابع مالی بسیارگسترده ازسوی بازاریان وجلسات آموزشی اسلامی در مساجد پس از برگزاری نماز مغرب

۵- بخشایش مرتکبین سوء قصد به پادشاه مشروط بر ابراز پشیمانی واقعی وبکار بردن استعداد و هوش سرشار خود درراه پیشرفت کشور:

الف- پرویز نیک خواه مائونیست برنامه ریز تیراندازی به شاه در کاخ مرمر که شاه پس از تیراندازی باوی به گفتگو مینشیند ومیشود نظریه پرداز رژیم

ب- محمود جعفریان ستوان یکم شهربانی از سازمان نظامی حزب توده و میشود معاون تلویزیون ملی و خدمات ارزنده ای انجام میدهد. یادداشت: آخوند سابق بنام «مسعود بهنود» که به برکت نفس ومهرگسترده وبزرگ منشی شاد روان امیر عباس هویدا به سلک پژوهشگر وروزنامه نویس درآمد، پس از شورش ۵۷ کیفر خواستی برای این دوشخصیت تهیه ودر اختیار جمهوری اسلامی قرار داد وآنها تا صدور حکم و اجرای اعدام آنها پیگیری کرد

پ- احمد کامرانی یکی دیگر از تیراندازان به شاه درکاخ مرمر که به اعدام محکوم شده بود برپایه تضرع و زاری مادرش در پیشگاه پاد شاه نه تنها از مجازات بخشوده شد که ازسوی

تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضاشاه دوم تنها راه نجات ایران

پادشاه سرمایه و مکانی در زادگاهش برای کسب و کار اعطا میشود که با استعداد کارآفرینی وی تا پیش از شورش ۵۷ یکی از ثروتمندان کشور میشود.

۶- پیشنهاد بخشش یا تخفیف مجازات به چریکهای مسلح مشروط بر ندامت واقعی و فعالیت در راستای میهن پرستی که بیشتر خواستند قهرمان شوند و الزاماً براساس رأی دادگاه به مجازات قانونی رسیدند. بخشی از این چریکها با الگوبرداری ناشیانه از چه گوارا به پاسگاه ژاندارمری سیاهکل حمله کرده و چند ژاندارم و مأمور بیگانه را بعنوان خط نخست برخورد قدرت حکومت بامردم کشتند ( که البته خود اهالی محل آنها را دستگیر کردند).

## پی آمدها شورش ۵۷

### بخش نخست پی آمدهای منفی

وخواست اصلی استعمار سیاه و سرخ که بطور فشرده از اینقرارند:

۱- خط بطلان کشیدن کامل بر دست آوردهای افتخار آمیز انقلاب مشروطیت و دست آوردهای ناسیونالیستی و تاریخی رضا شاه بزرگ و محمد رضاشاه آریامهر که از کشتار مردم به درستی پرهیز کرد.

۲- تبدیل حکومت مردم سالار مشروطه پادشاهی به حکومت استبدادی ولایت مطلقه فقیه و اعاده مقام سلطان با اختیارات بیشتر به نام ولی فقیه  
۳- چون بازوی اصلی شورش ۵۷ گروههای

چپ بودند کارخانجات بسیار سود آور براساس تصویبنامه شورای انقلاب که کارآفرینان ستایش انگیز را زانو صفت و «کمپرادور» نامیدند دولتی شدند و مصادره این واحدهای تولیدی یکی پس از دیگری به ورشکستگی آنها انجامید. زیرا چپ جمهوری اسلامی مانند همجنسان خود در سراسر دنیا بجای باور به تولید ثروت به توزیع ثروت متوسل میشوند و به دست خودشان اقتصاد کشور را به نیستی و هرچه فقیرتر شدن هر روزه مردم سوق میدهند.

امثال برخوردارها، برادران لاجوردی، اخوانها، رضاییها، توکلی ها، آزمایشها و خیامیها، حبیب ثابتها، القانیانها و محمد کریم ایروانیها ثروتهای انسانی ملی بودند که باهمت کارآفرینی خود توانستند برای میلیونها ایرانی کار تولید کنند و بجای تقدیر، آنها را با ادبیات چپ لوپمنی زانو صفت که خون مردمان را میمکند معرفی کنند.

اینها عمداً خود را به نفهمی میزنند که محسن آزمایش ( اشتهاردیان) در اثر فوت پدر از کلاس چهارم ترک تحصیل و نزد استاد در و پنجره ساز آهنی شاگردی میکند ولی بعلت هوش سرشارش در روز شورش در کارگاهای تولیدیش در سراسر کشور بیش از ۵ هزار نفر بکار اشتغال داشتند. نمی خواهند بپذیرند که احمد خیامی از ماشین شویی کنارخیا بانهای مشهد با استعداد کار آفرینی کارخانجات ایران ناسیونال را برپا کرد



وبرای اولین بار برای ۲۰ هزار کارگر خانه سازی کرد.

تنهاموردی که عملاً اعتراف به اشتباه بودن این سیاست کردند کارخانه کبریت سازی تبریز بود که به ورشکستی انجامیده و کارگران برای چند ماه دستمزد دریافت نکرده بودند و میرفت که تبریز به آشوب کشیده شود. مهندس توکلی وزیر سابق نیرو رادر آمریکا پیدا کرده و با تحبیب غیر متعارف و بیشتر با تهدید به ایران بردند و کارگران با شنیدن نام توکلی به کارگاهها باز گشتند.

۴- از بین بردن تمام آزادیهای فردی و جمعی موجود پیش از شورش از جمله آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی انتخاب مسکن، آزادی اجتماعات، آزادی پوشش، آزادی آموزش و هر گونه آزادیهای دیگر  
۵- حذف تفکیک قوا و استقلال قوای مملکتی و خلاصه شدن آنها در شخص غیر ملی و بیسواد به نام ولی فقیه

۵- کشتار بهترین فرزندان افتخار آفرین نیروهای مسلح شاهنشاهی که براساس لیست تنظیمی در CIA و دولت کارتر و دولتمردان درستکار و دانشمند و متخصص کم همتای رژیم گذشته بر پایه فهرست دلخواه MI6 انگلستان اعدام شدند.

۶- هدف حکومت پیشین که برقراری رفاه نسبی برای ملت بود جای خود را به هدف ادامه حکومت و چپاول ایران به عنوان غنیمت جنگی به هر قیمتی داد.

۷- دادن پایگاه نظامی به بیگانگان که شرم آور و جرم بود و مجازات سنگین داشت ولی برای ادامه حکومت ولی فقیه افتخار آفرین شد.

۸- ملت که در مقابل قانون متساوی الحقوق بود با امت شدن به خودی و ناخودی تقسیم شد.  
۹- رشوه خواری که در گذشته مجازات سنگین داشت از سوی خمینی که عمری با گرفتن خمس و زکات و حق امام خو گرفته بود مباح اعلام شد و گفت اگر کسی برای تسریع در کارش بامیل و رغبت به کارمندی پولی یا کالایی بدهد هیچ منع شرعی ندارد. در نتیجه رشوه های چند صد تومانی یا چند هزار تومانی عادی گردید و سپس بتدریج به اختلاسه های چند صد میلیارد دلاری و انهم بصورت خروج ارز مملکتی به خارج انجامید.

۱۰- چون اقتصاد را بر مبنای « اصول اقتصاد خر » اداره میکنند برای جبران برداشتهای غیر قانونی از صندوق باز نشستگی میخواهند با بیشر می کامل برای غارت ایران علاوه بر فروش داراییهای مملکتی به نام طرح مولد سازی خود مملکت و سرزمین ایران را بفروش برسانند.

در زمان پادشاه که نرخ بیکاری منفی و ایران وارد کننده نیروی کار شده بود شاه هنگام ترک کشور ۲۰ میلیارد دلار ارز خارجی با ضافه سهام ایران در شرکت های بزرگ بین المللی برای ایران بجای گذاشت.

.....-۱۱

.....-۱۲

### بخش دوم- پی آمدهای مثبت

خدمات بزرگ و سازنده ای که خمینی و خامنه ای به اسلام و مسلمانان کردند و هیچ روشنفکر چپ یامیانه یاراست قادر به انجام آن نبوداز اینقرارند:

۱- چون ماهیت روحانیت شیعه برای مردم آشکار نبود بین همه گروه های اجتماعی کم و

بیش قرب و منزلتی داشت. روحانی شخصیتی بود که دروغ نمیگوید. مردم هرگاه مشکلی داشتند به روحانی محل رجوع میکردند. حکمت روحانی یا آخوند محل یا مسجد را پذیرا بودند.

حکومت ولایت فقیه چهره واقعی روحانیت و ملا و آخوند را در دیدگاه مردم قرار داد. از آن پس روحانی از دید مردم شد یک آخوند روضه خوان که برای کسب در آمد مذهبی از هیچ دروغ و دغل بازی پرهیز نخواهد کرد. دین شد وسیله ای برای کلاهبرداری از مردم.

۲- ولایت فقیه آموزش داد که اسلام دین خون است و اسلام برای بقای خود خون میطلبد و به آنچه امام نخست شیعیان در مدینه به دروغ یا راست چند صد نفر را در یک روز سر بریده متوسل میشوند.

۳- آنگاه که مردم به معنای توهین آمیز واژه « نکاح » پی بردند به واژه زیبای قرار داد ازدواج و متن احترام آمیز این قرار داد روی آوردند.

۴- هرچند وجود خمینی برای کسانی که تصویرش را در ماه دیدند، حتی روشنفکران نعمت و برکتی بود آسمانی، در واقع لکه ننگی بود بر دامن بشریت.

۵- گذر نامه ایرانی بنام دولت شاهنشاهی ایران در ۱۲۹ کشور جهان بدون ویزا پذیرفته شده بود و حتی شناسنامه ایرانی که در ۶ کشور جهان نقش گذرنامه را بازی میکرد آنچنان بی اعتبار شدند که حتی ارزش یک دستمال کاغذی را ندارند

۶- به همت ولایت مطلقه فقیه و اجرای اقتصاد خر، ارزش پول آنچنان سقوط کرد که یک ریال رژیم شاهنشاهی امروز ۸۰۰۰ ریال ارزش دارد.

۹- مردم که به همت خمینی و خامنه ای به ماهیت اسلام پی بردند یابکلی بی دین شدند یا برای

روحانیت دیگر پیشیزی قایل نیستند تا آنجا که عمامه پراکنی پدیده ای شد که نشانه میهن پرستی و ایران گرایی گردید.

۱۰- مردم خود آموزی کردند که دین و مذهب مسئله شخصی است و هر ایرانی باید مجاز باشد برابر باوردینی و مذهبی خود به گونه خصوصی عمل کند.

این روشنگری که از سوی خمینی و شرکا انجام گرفت از عهده هیچ ایرانگرای فرهیخته یا روشنگر خارجی امکان پذیر نبود.

## این اثر مثبت شورش ۵۷ با هیچ پدیده دیگری همسنگ و برابر نیست

### نتیجه گیری و راه کار نجات ایران

بخشی از گامهای پایه ای برای نجات ایران از چنگال ضحاک زمان و شرکا عبارتند از:

۱- باور مند بودن به پدیده سیاسی « تداوم مشروطیت » بدین معنا که زمانی که مهدی بازرگان نخست وزیر منصوب خمینی از رهبر شورش پرسش می کند که شما در پاریس درباره مقام زن در اسلام و نقش روحانیت در اسلام و اینکه اسلام دین بخشایش و برد باری است و مردم بر اساس نص صریح قرآن که می گوید « لا اکراه فی الدین » در انتخاب دین آزادند بیاناتی می فرمودید ولی امروز در ایران به گونه دیگری عمل می کنید.

خمینی پاسخ می دهد که هدف من برقراری اسلام است و در این راه مقدس خدعه و تفریب و تزویر



کردم. در راه اسلام و بقای حکومت اسلامی هر پدیده ای مباح و جایز است از جمله اینکه حاکم اسلامی برای برقراری اسلام میتواند مسجد را خراب کند نماز و روزه و حج را تعطیل و خمس و زکات و امر به معروف و نهی از منکر را موقتاً متوقف کند. چون هر قراردادی از جمله قانون اساسی که قراردادی است بین دولت و ملت بر پایه خدعه و تزویر و تقیه و تقلب نوشته شود باطل است از این رو همه پرسى سال ۵۸ و قانون اساسی جمهوری اسلامی فاقد ارزش حقوقی است. به اضافه این واقعیت و اعتراف خود شورشیان ۵۷ که نمی دانستند به چه محتوایی رای می دهند زیرا قانون اساسی جمهوری اسلامی جز بیانات خمینی و گفتارهای بی بی سی در روز همه پرسى وجود خارجی نداشت و مردم به محتوای مجهول رای داده اند و رای به مجهول که هنوز تدوین نشده بود اثر اجرایی ندارد. بنابراین قانون اساسی جمهوری اسلامی به هیچ روی ارزش حقوقی ندارد و باطل است. با پذیرش بطلان این قانون پس از براندازی منطق حکم می کند که باید به لحظه تاریخی که پیشرفت ایران را خارج از اراده ملت متوقف کردند از توقف خارج کرده و به حیات آن به نام **تداوم مشروطیت** ادامه دهیم. باید توجه داشته باشیم که در برابر تداوم مشروطیت عده ای از مبارزان ناآگاهانه یا مغرضانه بر این باورند که پس از براندازی ما به مشروطیت باز می گردیم که نخست معلوم نیست به کدام یک از روزهای مشروطیت باید باز گردیم. دوم اینکه مفهوم حقوقی بازگشت به مشروطیت این است که دوران ۴۴ ساله جمهوری اسلامی و وجود ۷ رئیس جمهور و قراردادهای باکشورهای خارجی بویژه چین و روسیه و همچنین قوانین ضد ایرانی که در این دوره به تصویب رسیده قوت قانونی دارند و

ابطال این قراردادها و نسخ قوانین جمهوری اسلامی تقریباً عملی نخواهد

۲- شاهزاده رضا پهلوی راکه در مسافرت های اخیر به عنوان پادشاه عمل کردند و به عنوان پادشاه مورد استقبال قرار گرفتند رضا شاه دوم به نامیم و تمام نیروهای مبارز موجود و بالقوه را در جهت پیشگامی و پیشتازی ایشان و تقویت مالی هر چه بیشتر ایشان در راستای براندازی به کاربریم.

۳- به ایجاد و توسعه شبکه های محلی درون مرزبپردازیم و آنها را به هم پیوند دهیم و اطلاعات لازم را در اختیار ایشان بعنوان رهبر براندازی قرار دهیم.

۴- چون مجلس موسسان برای رفع نواقص قانون اساسی است نه انتخاب نوع یا شکل نظام، تشکیل مجلس موسسان برای تعیین نوع نظام آینده هیچگونه وجاهت قانونی ندارد و باطل است

۵- باپادشاه بگونه جمعی و فردی در تماس باشیم تا بتوانیم اثرات مخرب مشورتهای ضد ایرانی و بازدارنده امثال شهریار آهی، پرهام پسر، محسن سازگارا، حسین اعتمادی؛ مهتدی، اسماعیلیون و قمی کلا و شیرین عبادی که نخست خود را مسلمان میداند سپس ایرانی را تا آنجا که ممکن است خنثی کنیم

۶- پس از قرارگرفتن رضا شاه دوم در جایگاه قانونی خود از اصل الحاقی به متمم قانون اساسی مشروطیت بهره گیری کرده و کاستیهای قانون اساسی مشروطیت را مرتفع و انرا باتوجه به نیازهای جدید به روز در آوریم.

۱۵ جون ۲۰۲۳ برابر ۲۵ خرداد ۲۵۸۲

شاهنشاهی

سان ماتئو- کالیفرنیا



شورای بازپس گیری ایران زمین  
میجنگیم میسیریم ایران را پس میگیریم

آدرس ایمیل شورا [bazpasgiri1401@gmail.com](mailto:bazpasgiri1401@gmail.com)

آدرس وبسایت شورا

<https://www.nahadshahanshahi.com/BAZPASGIRI>

## تداوم قانون اساسی مشروطیت به رهبری رضاشاه دوم تنها راه نجات ایران

پیام نامه شماره ۱۱ شورای باز پس گیری ایران

شماره ۱۱ ۲۵ خرداد ۲۵۸۲ شاهنشاهی، ۱۴۰۲ خورشیدی، ۱۵ جون ۲۰۲۳ ترسایی  
تلفنهای گروه نویسندگان: ۱۶۵۰۵۲۹۵۲۳۴ و ۱۹۷۲۳۲۲۳۶۲۶ و ۰۱۱۳۶۳۲۳۸۸۰۴۳

اسداله نصر اصفهانی

۱- پیامدهای شورش ۵۷ و راه کار نجات ایران

۲- اطلاعیه فوری